



آن مرد با اسب در باران آمد!

یادداشت سردبیر

معلم پای تخته نوشت «آن مرد با اسب در باران آمد»، دانش‌آموزان هم نوشتند «آن مرد با اسب در باران آمد»؛ ولی هرکدام از آن‌ها تصویری متفاوت از مرد، اسب و باران در ذهن خود ساختند.

برای درک این تصاویر ذهنی، باید قائل به اصل تفاوت‌های فردی بود، در غیر این صورت اگر انسان‌ها را موجوداتی قالب‌پذیر بدانیم که با یک نوع آموزش، رفتار و عمل به ایده‌آل‌ترین افراد تبدیل می‌شوند، در واقع آن‌ها را به ماشین‌هایی بی‌روح و اندیشه‌تقلیل داده‌ایم. همان کاری که جهان صنعتی در قرن بیستم با نادیده گرفتن تفاوت میان کشورها و ملت‌ها، جنسیت‌ها و افکار انجام داد و در نهایت به بن‌بست یکسان‌سازی حاصل از این یکسان‌نگری رسید.

در آموزش و پرورش نیز نادیده گرفتن تفاوت‌ها، زنگ‌خطری را به صدا در می‌آورد که حاصلش، کورشدن خلاقیت افراد و شکل‌گیری انسان‌هایی مطیع و بی‌باور است. در صورتی که یک سیستم آموزشی با اولویت شناخت تفاوت‌های فردی و پرداختن به آن، می‌تواند انتظار شکوفایی دانش‌آموزان، معلمان و حتی مدیرانش را در ابعاد مختلف داشته باشد. معلمی که در پرورش و آموزش فراگیرانش معیارهایی چون موقعیت اجتماعی و اقتصادی، سابقه آموزشی و خانوادگی و میزان ادراک آن‌ها را در نظر می‌گیرد، بی‌شک کلاسی پویا و تماشاگران کمتری خواهد داشت. با این نگاه، آموزش جاده‌ای یک‌طرفه نیست؛ چراکه یاددهنده و یادگیرنده، هر دو در یک بده‌بستان ارتباطی و آموزشی از فضای ایجاد شده، لذت خواهند برد.

در این شماره با موضوع تفاوت‌های فردی به انعکاس نظرات شما و کارشناسان پرداخته‌ایم، تا این نکته آشنا را دوباره یادآور شویم: بی‌توجهی به ظرفیت‌ها و توان‌مندی‌های مختلف افراد می‌تواند مقدمه شکستی را فراهم کند که نتیجه فراموش کردن قانون تفاوت‌های فردی است.